

## نقش واسطه تئوری ذهن در رابطه سبک های والدگری با افسردگی

حمید یعقوبی<sup>۱</sup>، سارا سلیمانی<sup>۲</sup>، ریحانه اکرمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی، استادیار دانشگاه شاهد

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد روانشناسی بالینی گرایش خانواده درمانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران

### چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه تئوری ذهن در رابطه افسردگی و سبک های والدگری بود. ۲۰۱ نفر از دانش آموزان یک دبیرستان با استفاده از نمونه گیری در دسترس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه افسردگی بک فرم دو (بک، ۱۹۹۶)، پرسشنامه بازشناسی حالت های هیجانی از روی تصاویر چشم (بارون کوهن و دیگران، ۲۰۰۱)، شیوه های والدگری (بامریند، ۱۹۷۱) پاسخ دادند. داده ها با استفاده از روش معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج به کمک روش نمونه گیری غیرتصادفی در دسترس نشان داد افسردگی و تئوری ذهن رابطه مثبت و همچنین افسردگی با سبک سهل گیرانه رابطه مثبت و با سبک مقتدرانه رابطه منفی دارد. اما افسردگی با سبک استبدادی رابطه ندارد. بر اساس نتایج تئوری ذهن نیز با سبک سهل گیرانه رابطه مثبت و با سبک مقتدرانه رابطه منفی دارد. اما تئوری ذهن با سبک استبدادی رابطه ندارد. تئوری ذهن در ارتباط بین سبک های سهل گیرانه و مقتدرانه با افسردگی نقش واسطه ای دارد؛ اما در ارتباط با سبک استبدادی و افسردگی نقش واسطه ای ندارد. یافته های این پژوهش در شناخت نقش سبک های والدگری و عوامل موثر در افسردگی نقش کاربردی دارند و می توان با آموزش های مناسب این نقش ها را تعدیل کرد.

**واژه های کلیدی:** تئوری ذهن، افسردگی، سبک های والدگری، حالت های هیجانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



رابطه که به سبک‌های والدگری<sup>۸</sup> معروف هستند به روش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد، در واقع پایه و اساس شیوه والدگری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. کیفیت رابطه والد-نوجوان به طور کامل اثر عمیق و پایداری در پی‌ریزی رفتارهای فردی نوجوان و عزت نفس دارد. یکی از نتایج والدگری‌های ناصحیح می‌تواند بروز اختلالات روانی از جمله افسردگی باشد. با توجه به نقش بسیار مهم والدگری در بروز افسردگی که منجر به اختلال در عملکرد و کاهش سطح کیفیت زندگی می‌شود و این مساله که افسردگی در جایگاه اولین اختلال روان پزشکی قرار دارد، لذا لزوم بررسی روابط موجود بین افسردگی و دیگر مولفه‌هایی که در شخصیت فرد تأثیرگذار است ضروری می‌نماید. افراد افسرده اطلاعات هیجانی مثبت را به صورت مشابه با دیگران پردازش نمی‌کنند. علاوه بر این، آنها از رفتار صمیمانه اجتناب می‌کنند. مطالعه‌ای در مورد افراد افسرده سیلک، استاینبرگ و موریس<sup>۹</sup> نشان داده است که این افراد نسبت به همسالانشان هیجانات شدید و مختلفی را تجربه می‌کنند. با توجه به شیوع افسردگی در نوجوانان رقم متناظر در ۱۷-۱۳ سالگی ۱۹ درصد و در ۲۳-۱۸ سالگی ۲۴ درصد بود. با توجه به این آمار در بین نوجوانان جامعه و اهمیت این دوران در شکل‌گیری شخصیت، پژوهش‌هایی (مانند: لمپرز<sup>۱۱</sup> و دیگران؛ شکوهی، ۱۳۸۵؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ فرانسوی<sup>۱۲</sup> و دیویس<sup>۱۳</sup>؛ اشتاینبرگ<sup>۱۴</sup>؛ نیوکمپ<sup>۱۵</sup> و دیگران، ۱۹۹۳؛ لعلی‌فاز و عسکری، ۱۳۸۷؛ قنبری، ۱۳۸۸؛ سیفی، ۱۳۸۸؛ سهرابی، ۱۳۹۵) به بررسی رابطه سبک والدگری و افسردگی پرداخته‌اند. پژوهش‌های فراوانی (مانند: کولونسی<sup>۱۶</sup> و دیگران، ۲۰۱۶؛ بوهلن<sup>۱۷</sup>؛ ۲۰۱۵؛ مارتینو<sup>۱۸</sup> و دیگران، ۲۰۱۱؛ زبل<sup>۱۹</sup> و دیگران، ۲۰۱۰؛ سایین<sup>۲۰</sup>؛ آنکو<sup>۲۱</sup>؛ آرال<sup>۲۲</sup>؛ بایساک<sup>۲۳</sup>

<sup>۸</sup>Parenting, A.

<sup>۹</sup>Silk JS, Steinberg L, Morris AS. Adolescents' emotion regulation in daily life: Links to depressive symptoms and problem behavior. Child Development 74.1869-1888.2003.

<sup>۱۰</sup>James Barlow, understanding the relationship between state forgiveness and psychological well-being, journal of religion and health, 56,2017,450-463.

<sup>۱۱</sup>Lampers, R.

<sup>۱۲</sup>Fransway, L. I.

<sup>۱۳</sup>Duas, T.

<sup>۱۴</sup>Steinberg, L.

<sup>۱۵</sup>Newcomb, N. B.

<sup>۱۶</sup>Colonnsi, G.

<sup>۱۷</sup>Bohlmann, R.

<sup>۱۸</sup>Martino, F.

کاندانسایار، ۲۰۱۰؛ سوویک-ورانا، ۲۰۱۰؛ ژبل، لین، ۲۰۱۰؛ اینو، یامادا، کانبا و تونوکا، ۲۰۰۳؛ زرغامی، ۱۳۹۶؛ محمدزاده و غفاری، ۱۳۹۵؛ دولتی، ۱۳۹۴؛ پیرایه، ۱۳۹۳؛ فخاری و دیگران، ۱۳۹۳؛ زراعتکار و دیگران، ۱۳۹۲؛ نجاتی، (۱۳۹۱) نیز به نقص نظریه ذهن در بیماران افسرده اشاره کرده‌اند. همچنین با مطالعه تاثیر گسترده افسردگی بر کاهش سطح کیفیت زندگی، تخریب عملکرد فردی و اجتماعی فرد، کاهش سطح بهره‌وری اقتصادی و مشکلات دیگری که ناشی از این اختلال می‌باشد، ضرورت این مطالعه بیشتر می‌شود. توجه به اهمیت نظریه ذهن در تحول بهنجار افراد از یک سو، ضرورت شناسایی ارتباط میان والد-نوجوان از سوی دیگر و همچنین با توجه به پژوهش‌های مذکور خلا پژوهشی در نقش واسطه نظریه ذهن در والدگری و افسردگی ما را بر آن داشت تا در این زمینه به کاوش پردازیم. بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ادبیات پژوهشی مربوط به بررسی الگوهای والدگری و افسردگی از طریق نقش نظریه ذهن شود. با انجام این تحقیق می‌توان عوامل موثر در شکل‌گیری و تقویت افسردگی را که به واسطه نظریه ذهن انجام می‌شوند، شناسایی کرد.

بسیاری از مطالعات تحقیقاتی (مانند: لمپرز و دیگران؛ شکوهی، ۱۳۸۵؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ فرانسوی-دیویس، ۱۹۸۱؛ اشتاینبرگ، ۲۰۰۱؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ کولونسی و دیگران، ۲۰۱۶؛ بوهمن، ۲۰۱۵؛ مارتینو و دیگران، ۲۰۱۱؛ زبل، ۲۰۱۰) به

Žobel, D.

Şayin, N. O.

Ütku, Y. E.

Öral, E.

Şaysak, A.

Şandansayar, S.

Şubic-Wrana, Q.

Şbeutel, K.

Şnebel, L.

Şlane, D.

Şhoue, G.

Şyamada, W.

Şkanba, Q.

Ştonooka, N.

Şlampers, E.

نقش هر یک از مولفه‌های نظریه ذهن، افسردگی و سبک‌های والدگری به طور مجزا پرداخته اند، اما پژوهشی پیرامون نقش واسطه‌ای نظریه ذهن در رابطه سبک والدگری و افسردگی یافت نشد. در انتها با توجه به نقش والدین و تاثیر سبک‌های والدگری در سلامت روان نوجوانان، هدف ما از این پژوهش بررسی این مساله و پیامدهای ناشی از رفتارهای والدین بر روی نوجوانان می‌باشد. به منظور توجه و یادآوری این امر و با استناد به عملکردهای علمی و پژوهشی روز، پژوهش حاضر به بررسی سبک‌های والدگری و افسردگی به واسطه نظریه ذهن پرداخته است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد سبک‌هایی که والدین در جهت تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند می‌تواند با توانایی‌های شناختی و بروز اختلال و یا رگه‌های اختلال در ارتباط باشد.

## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر پایه طرح پژوهشی توصیفی-همبستگی و تحلیل مسیر است. در این پژوهش نقش واسطه نظریه ذهن در سه سبک والدگری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه، مستبدانه) و افسردگی ارزیابی می‌شود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان ۱۷ تا ۱۵ سال منطقه ۱۴ تهران است. گروه نمونه این پژوهش را دانش‌آموزان دو مدرسه دخترانه در تهران تشکیل دادند.

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس استفاده شد. تعداد ۲۵۰ پرسشنامه بین دانش‌آموزان توزیع شد که تعداد چهل پرسشنامه به علت مخدوش، سفید و یا ناقص بودن پاسخ‌ها کنار گذاشته شد. از این رو تعداد کل نمونه‌ها در مرحله دوم ۲۱۰ دانش‌آموز بود. تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری بسیار با اهمیت است. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل‌های عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگرها حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ نفر می‌باشد؛<sup>۳۶</sup> به منظور برآورد حجم نمونه پارامتر آزاد (تعداد گویه‌ها) نیز برای برآورد استفاده می‌شود.<sup>۳۶</sup>

آزمون والدگری بامریند: سنجش شیوه‌های والدگری با استفاده از پرسشنامه‌ای که توسط بامریند (۱۹۷۱) طراحی شده است، صورت گرفت. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است که شیوه‌های والدگری را در سه سبک سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه و هر سبک را در ۱۰ ماده می‌سنجد. نمره‌گذاری پرسشنامه نیز بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت می‌باشد که از کاملاً موافقم

<sup>۳۶</sup>MC-Quitty, S. Statistical power and structural equation models in business research. Journal of business research, 175-183.2010.

<sup>۳۷</sup>J-Schreiber, Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results. Journal of educational.2006.

<sup>۳۸</sup>Muller.L.basic principles modeling, (springer.1996).





برقرار می‌سازد. افزون بر آن شاخص کیسر-میر -اولکین برابر  $0/618$  به دست آمد که بیانگر کفایت حجم این نمونه است (ضریب  $0/6$  به عنوان حداقل مقدار لازم برای تحلیل در نظر گرفته می‌شود). نتایج آزمون کرویت بارلت  $\chi^2=5660/357^3$  و  $Sig=0/000$  نیز نشان‌دهنده برقراری مفروضه همانی بودن ماتریس همبستگی بین ماده‌ها است. هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پژوهش مفروضه دیگر آزمون تحلیل مسیر است که با استفاده از شاخص تحمل  $^4$  و عامل تورم واریانس  $^5$  مورد بررسی قرار گرفته و در جدول ۳-۴ گزارش شده است.

نتایج بررسی هم‌خطی چندگانه متغیرهای پژوهش

شاخص‌های هم‌خطی چندگانه		
VIF	Tolerance	متغیرهای پیش‌بین
۱/۱۱۹	۰/۸۹۴	نظریه ذهن
۱/۱۹۱	۰/۸۴۰	سبک مقتدرانه
۱/۰۵۴	۰/۹۴۸	سبک مستبدانه
۱/۱۳۷	۰/۸۸۰	سبک سهل‌گیرانه

نتایج حاصل از بررسی هم‌خطی چندگانه در جدول ۳-۴ نشان می‌دهد شاخص تحمل و عامل تورم واریانس در دامنه پذیرش قرار دارند. دامنه پذیرش شاخص تحمل بزرگتر از  $0/10$  و عامل تورم واریانس کمتر از  $10$  است، بنابراین بین متغیرهای پژوهش هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. با تایید برقراری مفروضه‌های آزمون تحلیل مسیر امکان اجرای آزمون فراهم و نتایج آن معتبر است.

<sup>۴</sup>Kaiser- Meyer- Olkin (KMO)

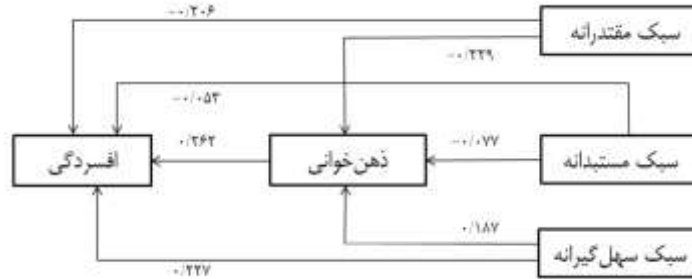
<sup>۵</sup>Bartlett's test of sphericity

<sup>۶</sup>Tolerance

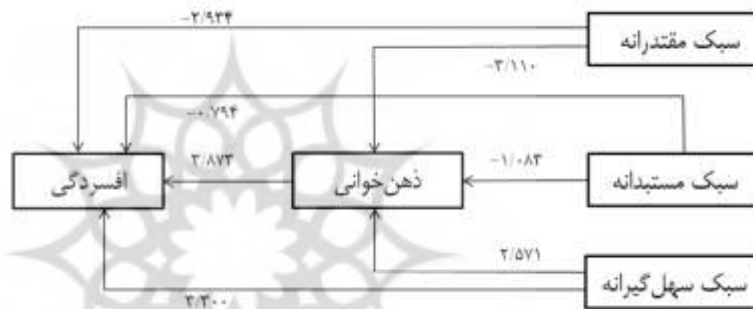
<sup>۷</sup>VIF



نتایج حاصل از اجرای تحلیل مسیر برای تعیین نقش واسطه‌ای نظریه ذهن در ارتباط سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) با افسردگی در شکل ۱-۳ با مدل استاندارد و در شکل ۲-۳ با مدل معناداری به نمایش در آمده است.



شکل ۱-۳. نمودار مسیرهای برازش یافته با مدل استاندارد



شکل ۲-۳. نمودار مسیرهای برازش یافته با مدل معناداری

به منظور تعیین شاخص‌های برازش مدل، پژوهشگران نسبت خن دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص برازندگی تطبیقی،<sup>۴۶</sup> شاخص برازندگی<sup>۴۷</sup> و شاخص برازندگی تعدیل یافته بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰، ریشه دوم واریانس خطای تقریب<sup>۴۹</sup>

<sup>۴۶</sup>Comparative Fit Index(CFI)

<sup>۴۷</sup>Goodness of Fit Index(GFI)

<sup>۴۸</sup>Adjusted Goodness of Fit Index(AGFI)

<sup>۴۹</sup>Root Mean Square Error of Approximation(RMSA)

کمتر از ۰/۰۸ و شاخص برازندگی غیرتطبیقی بزرگتر از ۰/۹۰ را از نشانه های برازش مناسب و از شاخص های مطلوب برای ارزیابی مدل می دانند. در نتیجه با توجه به شاخص های به دست آمده در مدل ارائه شده ( $\chi^2/df=2/160$ ،  $CFI=0/929$ ،  $GFI=0/963$ ،  $AGFI=0/913$ ،  $RMSA=0/071$ ،  $NFI=0/920$ ) مدل از برازش مناسبی برخوردار است. با توجه به برازش مناسب مدل ضرایب تخمین استاندارد نشده و استاندارد شده مسیرهای مدل ارائه شده در جدول ۳-۳ منعکس شده است.

جدول ۳-۳

خلاصه یافته های آزمون تحلیل مسیر

فرضیه ها (مسیرها)	تخمین	خطای	مقدار	تخمین	*
	استاندارد نشده	استاندارد	بحرانی	استاندارد شده	
سبک مقتدرانه	۰/۱۱۹-	۰/۰۳۸	۳/۱۱۰***	۰/۲۲۹-	۰/۰۱**P
سبک مستبدانه	۰/۰۴۶-	۰/۰۴۳	۱/۰۸۳-	۰/۰۷۷-	<
سبک سهل گیرانه	۰/۱۲۴	۰/۰۴۸	۲/۵۷۱*	۰/۱۸۷	نتا
سبک مقتدرانه	۰/۲۴۴-	۰/۰۸۳	۲/۹۳۴***	۰/۲۰۶-	بیج حاصل
سبک مستبدانه	۰/۰۷۲-	۰/۰۹۰	۰/۷۹۴-	۰/۰۵۳-	از آزمون
سبک سهل گیرانه	۰/۳۴۱	۰/۱۰۳	۳/۳۰۰***	۰/۲۲۷	تحلیل
نظریه ذهن	۰/۵۹۴	۰/۱۵۳	۳/۸۷۳***	۰/۲۶۲	مسیرهای

مدل ارائه شده در جدول ۳-۳ نشان می دهد اثر مستقیم سبک سهل گیرانه بر نظریه ذهن ( $\beta=0/187$ ،  $C.R.=2/571$  و  $P<0/05$ ) به صورت مثبت معنادار است و اثر مستقیم سبک مقتدرانه ( $\beta=-0/229$ ،  $C.R.=-3/110$  و  $P<0/01$ ) بر نظریه ذهن به صورت منفی معنادار است و سبک فرزندپروری مستبدانه ( $\beta=-0/077$ ،  $C.R.=-1/083$  و  $\text{sig}=0/279$ ) بر نظریه ذهن اثر مستقیم معنادار ندارد. افزون بر آن اثر مستقیم سبک سهل گیرانه ( $\beta=0/227$ ،  $C.R.=3/300$  و  $P<0/001$ ) و نظریه ذهن

\*Non-Normed Fit Index(NFI)

( $\beta=0/262$ ،  $C.R=3/873$  و  $P<0/001$ ) بر افسردگی به صورت مثبت معنادار است. همچنین اثر مستقیم سبک مقتدرانه ( $\beta=-0/206$ ،  $C.R=-2/934$  و  $P<0/01$ ) نیز بر افسردگی به صورت منفی معنادار است. اما اثر مستقیم سبک مستبدانه ( $\beta=-0/053$ ،  $C.R=-0/794$  و  $sig=0/427$ ) بر افسردگی معنادار نیست.

با اطمینان از برازش مناسب مدل، ضرایب استاندارد کل مسیر، اثر مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم موجود در مدل مربوط به رابطه سبک های فرزندپروری و افسردگی با واسطه نظریه ذهن دانش آموزان دختر در جدول ۳-۴ آمده است.

جدول ۳-۴

ضرایب استاندارد کل، مستقیم و غیرمستقیم در مدل

مسیرها	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	واریانس تبیین شده
بر نظریه ذهن از				0/093
سبک مقتدرانه	-0/229	-0/229	-	
سبک مستبدانه	-0/077	-0/077	-	
سبک سهل گیرانه	0/187	0/187	-	
بر افسردگی از				0/215
سبک مقتدرانه	-0/266	-0/206	-0/060*	
سبک مستبدانه	-0/073	-0/053	0/020	
سبک سهل گیرانه	0/276	0/227	0/049*	
نظریه ذهن	0/262	0/262	-	

\*P &lt; 0/01

براساس مسیرهای آزمون شده در مدل و نتایج جدول ۳-۴ مشاهده می شود اثر مستقیم سبک سهل گیرانه بر نظریه ذهن ( $\beta=0/187$ ) به صورت مثبت معنادار است و اثر مستقیم سبک مقتدرانه ( $\beta=-0/229$ ) بر نظریه ذهن به صورت منفی معنادار است اما و سبک فرزندپروری مستبدانه ( $\beta=-0/077$ ) بر نظریه ذهن اثر مستقیم معنادار ندارد. افزون بر آن اثر مستقیم سبک سهل گیرانه ( $\beta=0/227$ ) و نظریه ذهن ( $\beta=0/262$ ) بر افسردگی به صورت مثبت معنادار است. همچنین اثر مستقیم سبک

مقتدرانه ( $\beta = -0/206$ ) نیز بر افسردگی به صورت منفی معنادار است. اما اثر مستقیم سبک مستبدانه ( $\beta = -0/053$ ) بر افسردگی معنادار نیست.

نتایج جدول ۳-۴ نشان می دهد اثر غیر مستقیم سبک های فرزندپروری مقتدرانه ( $\beta = -0/060$ ) و سهل گیرانه ( $\beta = 0/049$ ) بر افسردگی با واسطه نظریه ذهن معنادار است. این یافته ها نشان دادند سبک های فرزندپروری بر افسردگی با واسطه نظریه ذهن اثر غیرمستقیم دارند که تایید فرضیه پژوهش "نظریه ذهن در رابطه با سبک های والدگری و افسردگی نقش واسطه ای دارد" است.

افزون بر آن نتایج بیانگر آن است که ۹ درصد از واریانس ذهن دانش آموزان دختر از طریق سبک های فرزندپروری تبیین پذیر است. همچنین سبک های فرزندپروری و نظریه ذهن توانایی تبیین ۲۲ درصد از واریانس افسردگی دانش آموزان دختر را دارند.

این یافته ها نشان دادند نظریه ذهن در ارتباط سبک های فرزندپروری با افسردگی نقش واسطه ای دارد.

#### ۴. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه نظریه ذهن در ارتباط افسردگی با سبک های فرزندپروری دانش آموزان شهر تهران انجام شد. براساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین افسردگی و نظریه ذهن، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین افسردگی با سبک والدینی سهل گیرانه، رابطه مثبت معنادار و با سبک والدینی مقتدرانه، رابطه منفی معنادار دارد. اما افسردگی با سبک والدینی استبدادی، رابطه معنادار ندارد. بر اساس نتایج، نظریه ذهن نیز با سبک والدینی سهل گیرانه رابطه مثبت معنادار و با سبک والدینی مقتدرانه، رابطه منفی معنادار دارد. اما نظریه ذهن با سبک والدینی استبدادی، رابطه معنادار ندارد. و همچنین بر اساس نتایج به دست آمده نظریه ذهن در ارتباط بین سبک های والدینی سهل گیرانه و با مقتدرانه با افسردگی نقش واسطه ای دارد، اما در ارتباط بین مولفه سبک والدینی استبدادی و افسردگی نقش واسطه ای ندارد. این نتایج نشان می دهد سبک های والدینی توانایی تبیین ۹ درصد از واریانس نظریه ذهن را دارند و افزون بر آن سبک های والدینی و نظریه ذهن ۲۱ درصد از واریانس افسردگی را تبیین می کنند. این یافته ها فرضیه نقش واسطه نظریه ذهن را در رابطه با سبک های والدگری و افسردگی تایید می کنند. اما نظریه ذهن در ارتباط بین مولفه سبک والدینی استبدادی و افسردگی نقش واسطه ای ندارد.



دیگران است که بیشتر شامل نشانه‌های غیرکلامی مانند چهره و صوت است و مستقل از زمینه و محیطی که فرد در آن قرار گرفته است. آزمون ذهن خوانی از طریق چشم از نوع ادراک اجتماعی است (میشل و فیلیپس، ۲۰۱۵)<sup>۵۸</sup>، فرگوسن و استین<sup>۵۹</sup> (۲۰۱۰). بر اساس تقسیم‌بندی مطرح شده درباره نظریه ذهن می‌توان نتیجه گرفت که افسردگی در نوجوانان، با توانایی علت‌یابی حالت‌های ذهنی نظریه ذهن در ارتباط است و با قضاوت‌های سریع درباره حالت‌های ذهنی ارتباط ندارد.

با وجود آنکه در متون مختلف تحولی، به اهمیت نظری نظریه ذهن در سلامت روان و روابط اجتماعی موفق بارها اشاره شده است، ولی در حوزه پژوهشی، ارتباط نظریه ذهن شناختی با افسردگی در نوجوانان دارای خلا بسیاری است و ارتباط این دو در گام‌های اولیه خود قرار دارد و نظریه ذهن در نوجوانان فقط در سطح تحولی بررسی شده است (داهرتی، ۲۰۱۵)<sup>۶۰</sup>.

آزمون ذهن خوانی از طریق چشم‌ها که نظریه ذهن هیجانی را می‌سنجد، سعی در سنجش تشخیص هیجان‌ها به خصوص هیجان‌های پیچیده و مقاصد در افراد دیگر را دارد و نیازمند مهارت بازشناسی هیجانی و فهم هیجان‌های پیچیده می‌باشد<sup>۶۲</sup>

احمد و میلر (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هر سه آزمون نظریه ذهن، فرآیندهای مختلف شناختی را می‌سنجد و با یکدیگر هیچ هم‌پوشانی ندارند، به ویژه ذهن خوانی از روی تصاویر چشم که بیشتر مهارت بازشناسی هیجانی را می‌سنجد. نقد دیگری که بر این آزمون وارد است این است که حتی اطلاعات غیرکلامی که در موقعیت‌های واقعی زندگی وجود دارد در این آزمون حذف شده است و فقط تصویر یک چشم سیاه و سفید ارایه می‌گردد در صورتی که در شرایط واقعی زندگی، به منظور تشخیص حالت‌های ذهنی، ما کل صورت فرد را دریافت می‌کنیم (وگیندروکاس،<sup>۶۳</sup> اچلاس<sup>۶۴</sup> و پتیدیس<sup>۶۵</sup>، ۲۰۱۴).

<sup>۵۸</sup>Mitchell, T.

<sup>۵۹</sup>Philips, G.

<sup>۶۰</sup>Ferguson, E.

<sup>۶۱</sup>Austin, D.

<sup>۶۲</sup>Doherty, A.

<sup>۶۳</sup>Baron Cohen, S., Leslie, A., Frith, U. Does the autistic child have a theory of mind cognition. Journal of harvard, 66-... 0001.

<sup>۶۴</sup>Vogindroukas, D.

<sup>۶۵</sup>Chelas, S.

علاوه بر این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانایی بازشناسی بیشتر حالت‌های هیجانی از ده سالگی آغاز می‌شود و بعضی از افراد در سن کودکی و یا نوجوانی مشکلاتی در بازشناسی حالت‌های هیجانی و حالت‌های ذهنی پیچیده‌تر با شدت کم نشان می‌دهند (رامپ و دیگران، ۲۰۰۹).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین افسردگی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه مثبت وجود دارد که این یافته با بسیاری از پژوهش‌ها (مانند: برابتون و هولینگسورت، ۲۰۱۸؛ گیلیگان و دیگران، ۲۰۱۸؛ بنجامین، هانکین و جامی یانگ، ۲۰۱۸؛ لمپرز و دیگران؛ شکوهی، ۱۳۸۵؛ سهرابی، ۱۳۹۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت پدر و مادرهای مساوات‌طلب، سهل‌گیر و بی‌بندوبار نیز نمی‌توانند نیازهای کودکان یا نوجوانان را برآورده کنند. در این سبک، پدر و مادرها با فرزندشان درگیرند ولی برای آنها خیلی کم محدودیت می‌گذارند. این نوع پدر و مادرها به فرزندشان اجازه می‌دهند هر کاری که دلشان می‌خواهد بکنند، چون تصور می‌کنند مهربانی توأم با محدودیت کم، یک بچه خلاق و با اعتماد به نفس بالا می‌سازد. کودکان والدین سهل‌گیر اغلب نمی‌آموزند که به دیگران احترام بگذارند و تکانشی، ناپخته و خارج از کنترل هستند (سانتراک، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش همچنین بیانگر آن بود که بین افسردگی و سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی وجود دارد که این یافته با پژوهش‌های پیشین (مانند: برابتون و هولینگسورت، ۲۰۱۸؛ گیلیگان و دیگران، ۲۰۱۸؛ بنجامین، هانکین و جامی یانگ، ۲۰۱۸؛ فرانسوی و دیویس، ۱۹۸۱؛ اشتاینبرگ، ۲۰۰۱؛ نیوکمپ و دیگران، ۱۹۹۱؛ لعلی فاز و عسکری، ۱۳۸۷؛ قنبری، ۱۳۸۸؛ سیفی، ۱۳۸۸؛ سهرابی، ۱۳۹۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدین مقتدر، کنترل‌کننده ولی صمیمی هستند. آنها مقررات روشنی را وضع می‌کنند، همواره آنها را اعمال کرده و اطاعت نوجوان را با صمیمیت و محبت پاداش می‌دهند. این سبک نمایش دهنده خصایص کنترل، مطالبه‌گری، گرمی، عقلانیت و پذیرا بودن والدین است (بایرز، ۲۰۰۹). والدین با سبک مقتدرانه، کودکانشان را با محبت و روابط نزدیک مراقبت می‌کنند و انتظاراتشان با توانایی‌های کودکانشان تناسب دارد (اندر و گولای، ۲۰۰۹). کودکان در این روش تربیتی، متکی به خود و مستقل هستند و از پیشرفت‌های بالایی برخوردارند. آنها همچنین در ارتباط با دیگران خشنود، صمیمی، اجتماعی و شایسته هستند. نوجوانان دارای والدین مقتدر گرایش دارند به اینکه عزت نفس بالایی داشته باشند، در مدرسه پیشرفت خوبی می‌کنند، مشکلات رفتاری کمتری دارند، و بیشتر ملاحظه دیگران را می‌کنند (هافمن و ورنوی، ۲۰۰۶).

Petridis, W.

Roump, O.

نتایج پژوهش بیانگر آن بود که هیچ رابطه معناداری بین افسردگی و سبک فرزندپروری مستبدانه وجود ندارد که این با پژوهش های پیشین (مانند: برابتون و هولینگسورت، ۲۰۱۸؛ گیلیگان و دیگران، ۲۰۱۸؛ بنجامین، هانکین و جامی یانگ، ۲۰۱۸؛ آیمن، تانگ، کسبو و دنگ، ۲۰۱۷؛ بتس، گالن و آلن، ۲۰۰۹؛ فرضی گلفزانی و دیگران، ۱۳۸۲؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ سیفی، ۱۳۸۸؛ قنبری، ۱۳۸۸؛ مولوی، ۱۳۷۹) مغایر بود. در مجموع می توان نتیجه گیری کرد که از جمله عوامل موثر در ایجاد افسردگی می توان به سهم ژنتیک یا استرسورهای محیطی اشاره کرد که این موضوع میزان سهم رابطه والدین با نوجوان را زیر سوال می برد.

نتایج پژوهش بیانگر آن بود که نظریه ذهن با سبک فرزندپروری سهل گیرانه رابطه مثبت دارد در حالی که در گروهی از پژوهش های گذشته (مانند: گومز، کارتر، فریس و گری، ۲۰۱۸؛ هوگس، دوین و وانگ، ۲۰۱۷؛ سلکاک، یاوز، اتل، هارما و رافمن، ۲۰۱۷؛ رودریگز، پادیللا و فورناگرا، ۲۰۱۰؛ چاوشی، ۲۰۱۱؛ علی اکبری و دیگران، ۱۳۹۴) نتایج با یافته های ما مغایر بود. در تبیین این نتیجه می توان گفت در پژوهش کانترو<sup>۷</sup>، گاندیدا<sup>۸</sup> و اسلاوتر<sup>۹</sup> (۲۰۱۷) که بر روی فرهنگ، سبک های والدگری و تحول نظریه ذهن کودکان در اندونزی انجام شده بود، نتایج حاکی از آن بود که به استثنای سبک مستبدانه که با توان نظریه ذهن نوجوانان رابطه منفی داشت سبک سهل گیرانه و مقتدرانه ارتباطی با توان نظریه ذهن نوجوانان نداشتند. همچنین در پژوهش لیزت<sup>۱۰</sup>، کرین<sup>۱۱</sup>، ژوهان<sup>۱۲</sup> و کارولین<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۸) با موضوع رابطه بین سبک های والدگری و عملکرد اجتماعی-عاطفی نوجوانان دریافتند که رابطه ای بین سبک های والدگری و عملکرد اجتماعی-عاطفی نوجوانان یافت نشده است، هر چند که نقش زبان می تواند متغیر تعدیل کننده بین سبک های والدگری و عملکرد اجتماعی باشد.

همچنین پژوهش چهارزی و دیگران (۱۳۹۲) با موضوع رابطه بین شیوه های والدگری با نظریه ذهن نشان داد ارتباط معناداری بین سبک سهل گیرانه والدین و هیچ کدام از متغیرهای نظریه ذهن وجود ندارد و این سبک به تنهایی نمی تواند توان نظریه

<sup>۸</sup>Kuntoro, Q.

<sup>۹</sup>Candida, E.

<sup>۱۰</sup>Slaughter, T.

<sup>۱۱</sup>Lizet, H.

<sup>۱۲</sup>Carin, P.

<sup>۱۳</sup>Johan, I.

<sup>۱۴</sup>Carolien, J.



ذهن نوجوانان را پیش‌بینی کند. گرچه این پژوهش بر روی نوجوانان انجام نشده است ولی می‌تواند گویای عدم رابطه و کاوش در عوامل تاثیرگذار دیگر باشد. با این حال برای بیان نظر قطعی‌تر به پژوهش‌های بیشتری نیاز داریم. با توجه به مطالعه پژوهش‌های مورد بحث می‌توان نتیجه گرفت عواملی که بر توان نظریه ذهن نوجوانان تاثیرگذار هستند گسترده‌تر از پژوهش‌هایی است که تاکنون انجام شده و بالخصوص پژوهش‌های معدودی که در سن نوجوانی در حیطه نظریه ذهن انجام گرفته نتیجه‌گیری را برای ما دشوار می‌سازد.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که نظریه ذهن با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی دارد در حالی که در گروهی از پژوهش‌های گذشته (مانند: چاوشی، ۲۰۱۱؛ کلانتری، ۲۰۱۰؛ نوروزی و سپهریان، ۱۳۹۵؛ چهارزی و دیگران، ۱۳۹۲) نتیجه‌ای مغایر داشتند که در تبیین این مغایرت می‌توان گفت: در پژوهش لیوینگستون و دیگران (۲۰۱۸) بر روی مهارت‌های اجتماعی خوب با وجود نقص در نظریه ذهن نتایج نشان داد هوش بالا و مهارت‌های اجتماعی می‌تواند گاهی نمره پایین نظریه ذهن را توجیه کند.

شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که غیر از روابط والد-نوجوان عوامل دیگری نیز تاثیرگذار هستند. ما به دلیل محدودیت‌های پژوهشی تاثیرات هوش و مهارت‌های اجتماعی و... را اندازه‌گیری نکردیم که این خود می‌تواند خطی نبودن رابطه فوق را تبیین کند. مساله دیگر که در بالا اشاره شد این است که با توجه به اینکه پرسشنامه به وسیله دانش‌آموزان و از طرف مدرسه به دست والدین رسیده بود تمایل والدین برای خوب یا عادی نشان دادن خود در پاسخ به سوالات می‌تواند باعث رد شدن فرضیه شود.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که نظریه ذهن با سبک فرزندپروری مستبدانه هیچ رابطه معناداری ندارد در حالی که در پژوهش‌های گذشته (مانند: نوروزی و دیگران، ۱۳۹۵؛ علی اکبری و دیگران، ۱۳۹۴؛ چهارزی و دیگران، ۱۳۹۲) این دو متغیر رابطه منفی داشتند. در تبیین این ناهم‌سویی می‌توان اظهار داشت رودریگز، پادایلا و فورناگرا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای که به بررسی رابطه سبک والدگری مستبدانه و سهل‌گیرانه با نظریه ذهن نوجوانان پرداختند، با وجود تفاوت اما رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین لیزت و دیگران (۲۰۱۷) که بر روی رابطه بین سبک والدگری و عملکرد اجتماعی-عاطفی نوجوانان به مطالعه پرداخته است دریافت که بین سبک والدگری مثبت و عملکرد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. گومز و دیگران (۲۰۱۸) دریافتند اجبار و حساسیت والدین با پیامدهای شناختی نوجوانان ارتباطی ندارد و از طرفی دیگر حمایت والدین از اکتشافات نوجوانان، به تحول شناختی نوجوان کمک می‌کند.

همان طور که از پژوهش‌ها استنباط می‌شود نمونه پژوهش‌های گذشته اغلب در محدوده سنی نوجوانان بوده و پژوهشی در حیطه نوجوانان یافت نشد. مساله نبود پژوهش در سنین نوجوانی و از روی دیگر پژوهش‌های اندکی که بر روی سبک‌های والدگری (به خصوص بامریند) صورت گرفته بود بر سختی کار افزود. همچنین پرکردن پرسشنامه بدون حضور آزمایشگر و از طرف مدرسه و بدون توضیحات لازم و کافی یکی از دلایلی بود که احتمال می‌رود باعث تمایل به میانگین و بهتر نشان دادن نظرات در حیطه سبک والدگری باشد.

به توجه به معنادار نشدن متغیر مستبدانه با هیچ کدام از متغیرها می‌توان گفت نوعی سوگیری در پاسخ به پرسشنامه‌ها و عدم توضیح کافی و حضوری به والدین سبب شده است که نتایج پیش رو حاصل شود. این مورد در محدودیت‌های پژوهش نیز ذکر شده است.

آخرین و اصلی‌ترین هدف و فرضیه پژوهشی بررسی نقش واسطه نظریه ذهن در ارتباط سبک‌های فرزندپروری با افسردگی بود که نتایج حاصل از آزمون تحلیل مسیر نشان داد بر اساس نتایج، نظریه ذهن در ارتباط بین سبک‌های والدینی سهل‌گیرانه و با مقتدرانه با افسردگی نقش واسطه‌ای دارد، اما در ارتباط بین مولفه سبک والدینی استبدادی و افسردگی نقش واسطه‌ای ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده سبک‌های والدینی توانایی تبیین ۹ درصد از واریانس نظریه ذهن را دارند. افزون بر آن هسته سبک‌های والدینی و نظریه ذهن ۲۱ درصد از واریانس افسردگی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها فرضیه نظریه ذهن در رابطه با سبک‌های والدگری و افسردگی نقش واسطه‌ای دارد، را تایید می‌کنند.

با مرور مبانی نظری و سایر پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که میزان آگاهی والدین از سبک‌هایی که در تربیت فرزندان خود انتخاب می‌کنند و مطالعه و آموزش‌های لازم فرزندپروری به والدین می‌تواند توانایی ذهن‌خوانی در نوجوانان و نوجوانان را بهبود ببخشد. این توانایی یکی از راه‌هایی است که بر طبق پژوهش‌های بررسی شده می‌تواند تا اندازه‌ای از افسردگی نوجوانان اجتناب کند.

## منابع

- آزادی، ش. (۱۳۸۲). بررسی رابطه شیوه والدگری والدین با کمرویی دختران. *دانشگاه الزهرا*.
- آقایی، ز. چ. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه‌های والدگری با نظریه ذهن در دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی اصفهان. *فصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*.
- اکبری، ز. ع. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای افسردگی در رابطه بین دلبستگی و سبک والدگری با چاقی و اضافه وزن دختران. *فصلنامه علمی پژوهشی*، ۳-۸.
- پور، ف. س. (۱۳۹۶). تاثیر مداخله مبتنی بر نظریه ذهن و آموزش مهارت‌های اجتماعی بر نشانه‌های کودکان مبتلا به اختلال رفتار هنجاری. *فصلنامه سلامت روانی کودک*.
- خانجانی، ز. هداوندخانی، ف. (۱۳۸۳). تحول و رویکردها. *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۸۹-۱۱۹.
- خدایاری فرد، م. سهرابی، ف. (۱۳۹۵). *روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان*. تهران: انتشارات آوای نور.
- رئیس، ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک‌های والدگری و سلامت روان دختران دانش‌آموز اول دبیرستان اصفهان. *دانشگاه اصفهان*.
- زراعتکار، ل. نجفی، م. رفیعی‌نیا، پ. (۱۳۹۱). مقایسه نظریه ذهن در بیماران مبتلا به افسردگی با افراد بهنجار. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۴۴۱-۴۹۱.
- سپهریان، م. ن. (۱۳۹۵). مقایسه نظریه ذهن، مفهوم خدا و میهن در بین کودکان دارای سبک‌های والدگری متفاوت. *فصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی*.
- سیدمحمدی، ی. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی عمومی*. تهران: ارسباران.
- سیفی، م. (۱۳۸۸). سنخ‌شناسی والدگری خانواده و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر. *اصول بهداشت روانی*، ۱۸۵.
- سیفی، م. ی. (۱۳۸۸). سنخ‌شناسی والدگری خانواده (ترکیب سبک والدگری پدر و مادر) و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به والدگری. *اصول بهداشت روانی*، ۱۸۵.
- شاملو، ا. چ. (۲۰۱۱). بررسی رابطه سبک‌های والدگری والدین و اختلالات روان فرزندان. *همایش بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان*.
- صالحی، ش. (۱۳۸۲). نحوه صرق وقت زنان روستایی. *فصلنامه پژوهش زنان*.
- عاقبتی، ا. س. (۱۳۹۵). ارتباط بین ابعاد والدگری ادراک شده و سبک‌های هویتی با شدت افسردگی در نوجوانان.
- عاقبتی، ب. غ. (۱۳۸۲). اثربخشی و رضایت از برنامه والدگری مثبت در مادران کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی-کمبود توجه. *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی تبریز*.
- عسکری، ا. ل. (۱۳۸۷). توان پیش‌بینی سبک‌های والدگری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۷۱-۷۸.
- فخاری، ع. شیری، م. خزایی، ع. موحدی، س. فلاحی، ی. طاهرپناه، ا. (۱۳۹۳). بررسی الگوی نقص نظریه ذهن و تنظیم هیجان در بیماران دوقطبی و افسرده و مقایسه با افراد عادی. *مجله پزشکی ارومیه*، ۵۱۴-۵۸۸.
- فراملکی، ح. ب. (۱۳۹۰). بررسی نقص نظریه ذهن در اسکیزوفرن‌های دارای علائم مثبت و منفی و مقایسه آن با افراد سالم. *دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی تبریز*.
- فرزادی، ف. (۱۳۹۵). رابطه علی بین شیوه‌های والدگری، سبک‌های دلبستگی و بی‌انضباطی با میانجی‌گری خودتنظیمی هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و نظریه ذهن. *روان‌شناسی خانواده*، ۳-۱۶.
- قربانی، م. ع. (۱۳۹۴). مقایسه نظریه ذهن در کودکان بدسرپرست و عادی. *پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی*.
- قنبری، س. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های والدگری با نشانه‌های درونی‌سازی شده در کودکان. *مجله علوم رفتاری*، ۱۶۷-۱۷۲.
- ک، ب. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی رشد*. تهران: نشر دوران.
- ک، ت. م. گ. (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی رشد از نوزادی تا نوجوانی*. اصفهان: پویش اندیشه.

- ک، ه. م. و. ج. و. (۱۳۸۵). روان شناسی عمومی از نظریه تا کاربرد. تهران: ارسباران.
- کاپلان. (۱۳۹۵). روان شناسی رشد. ترجمه م، فیروزبخت. تهران: رسا.
- کاپلان، ه. سادوک، ب. (۱۳۷۹). خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری. تهران: آب.
- گندمانی، س. ک. (۲۰۱۰). سنخ شناسی والدگری خانواده و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به والدگری. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۸۵-۱۹۴.
- م، ه. ر. پ. (۱۳۷۳). روان شناسی کودک از دیدگاه معاصر. مشهد: آستان قدس رضوی.
- م، ی. (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک های والدگری. تربیت اسلامی، ۱۱۵-۱۴۰.
- ماسن، پ. کیگان، ج. هوستون، ا. کانجر، ج. (۱۳۸۹). رشد شخصیت کودک. تهران: نشر مرکز.
- محمدزادگان، م. م. (۱۳۹۳). نقش مولفه های حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش بینی فرسودگی شغلی پرستاران. فصلنامه سلامت پرستاران.
- مقدم، م. ف. (۱۳۸۲). مقایسه شیوه های والدگری مادران کودکان دارای اختلال های افسردگی، اضطرابی و سواس فکری و عملی با مادران کودکان عادی. ۹ و ۱۰.
- منصوری، س. (۱۳۸۹). پیش بینی میزان سازگاری بر اساس سبک های والدگری در گروه نوجوانان. فصلنامه دانشگاه روان شناسی تبریز.
- مولوی، م. (۱۳۷۹). بررسی فرآیندهای والدگری والدین بیماران روانی مراجعه کننده به درمانگاه روان پزشکی بیمارستان دکتر فاطمی اردبیل. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل.
- نجاتی، و. ذبیح زاده، ع. ملکی، ق. محسنی، م. (۱۳۹۵). اختلال شناخت اجتماعی در بیماران دچار افسردگی. فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۷۴-۵۷.
- وندرزندن. (۱۳۹۶). روان شناسی رشد. ترجمه ح. گنجی. تهران: بعثت.
- Astington, J. (1993). *The child discovery of the mind*. harvard university press.
- Astington, J. (2003). False belife understanding and social competence. *repacholi*.
- Astington, J. Edward, M. (2010). *The developmen of theory of mind in early childhood*.
- Retrieved on september 8, 2010 from: [www.child-encyclopedia.com](http://www.child-encyclopedia.com).
- Babiarz, S. (2009). Ralationship of teacher parenting style to instrucional strategies and student achievement *University of southern california*
- Babiarz, S. (2009). Relationship of teacher parenting style to instructional strategies and student achievement. *Journal of southern California*, 134.
- Baron Cohen, S., Leslie, A., Frith, U. (1985). Does the autistic child have a theory of mind ۳۶-۳۷. *cognition. Journal of harvard*
- developmental*. Baumrind, D. (1971). Harmonious parents and their preschool children ۹۹-۱۰۲. *psychology*
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style of adolescent competence and ۵۶-۹۹. *jornal of early adolescence*. substance use
- child*. The effects of authoritative parental control on child behavior. Baumrind, D. (۱۹۹۶)
- development*. ۸۸۷-۹۰۷. *development*
- journal of marital and* Beavers, R. (1988). A system model of family for family therapist. *family therapy*, 229-307.
- new oxford textbook of*. Bech, P. (2009). Clinical features of mood disorders and mania *psychiatry*

- press LTD*. Birch, A. (1997). Developmental psychology: from infancy to adulthood
- Birch, S. (1997). Childrens nomination and rating of the teachers-child relationship: Measure .development and implications for educational practice
- Bjorklund, D. (2000). *Childrens thinking developmental function and individual difference*. belmont
- Buccino, G., Binkofski, F., Fink, G., Fadiga, L., Fogassi, L., Gallese, V., & Freund, H. (۲۰۰۱). Action observation activates premotor and parietal areas in a somatotopic manner. ۴۰۰-۴۰۴. *europaean journal of neuroscience*
- The symptoms of major depression. *Journal of abnormal psychology*, 197-205. Buchwald, D. Rudick, D. (۱۹۹۳)
- C-Brighton, M. H. (2018). The effects of parental relationship and psychological wellbeing on .childhood depression
- C-Colonnesi, M. N. (2016). Social anxiety symptoms in young children: investigation the ۱-۱۵. *chil psychol*. interplay of theory of mind and expression of shyness
- .Cox, M. (1991). *The childs point of view*. London: harvester wheatsheaf
- Darling, N., Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: an integrative model. ۴۸۷-۴۹۶ *psychological bulletin*
- Flavell, J. (1986). The development of childrens knowledge about the appearance reality .distinction. *american psychologist*, 418-425
- Flavell, J. (1963). Cognitive developmen: past, present and future. *Developmental psychology*, 998-1005
- Flavell, J. (1999). Cognitive developmental: childrens knowledge about the mind. *annual review of psychology*, 21-45
- Flavell, J., Miller, P. (1998). *Handbook of child psychology: cognition, perception and language*. New york: wiley
- Gilligan, C. (2018). Asingle-session, web-based parenting intervention to prevent adolescent depression and anxiety disorders: randomized controlled trial. *Journal of medical internet research*
- Gopnic, A., Astington, J. (1988). Childrens understanding of representational change and its relation to the understanding of false belife and the appearance-reality distinction. *Child development*, 26-37.
- Hardy, D.F., Power; T.G., & Jaedicke, S., (1993). Examining the relation of parenting to children's coping with every day stress. *Child Development*, vol. 64, p: 18-48.
- H-Aimin, L. T. (2017). Harsh parenting and adolescent depression: mediation by negative .self-cognition and moderatioin by peer acceptance. *Saga journals*
- theory of mind: evidence from H-Tager-Flusberg, L. F. (2000). A componential view of Williams syndrome. *Cognition*, 59-90.
- H-Wimmer, J. P. (1983). Belifes about belife: representation and constraining function of wrong beliefs in young childrens understanding of deception. *Cognition*, 103-128.
- J-Betts, E. G. (2009). An examination of emotion regulation, temperament, and parenting style as potential predictors of adolescent depression risk status: a correlational study. *Developmental psychology*

- J-Rottenberg, J. G. (2002). Crying threshold and intensity in major depressive disorder. *Journal of abnormal psychology*, 302-312.
- J-Rotttnberg, J. G. (2005). Emotion content intensitivity in major depressive disorder. *Journal of abnormal psychology*, 627-639.
- J-Schreiber, A. N. (2006). Reporting structural equation modeling and confirmatory factor .analysis results. *Journal of educational*
- K-Kasch, J. R. (2002). Behavioral activation and inhibition systems and the severity and course of depression. *Journal of abnormal psychology*, 589-597.
- Ladouceur, R., Dugas, M., Freeston, M., Leger, E., Gagnon, F., Thibodeau, N. (2000). Efficacy of a cognitive-behavioral treatment for generalized anxiety disorder evaluation in controlled clinical trial. *Journal of consulting and clinical psychology*, 957-964.
- Leslie, A. (2000). Theory of mind as a mechanism of selective attention. *MIT Press*, 1235-1۲۴۷.
- Masterson, J. (1972). *Treatment of borderline adolescents*. New York: Wiley- Interscience.
- Mash, E. J., & Barkley, R. A. (Eds). (2014). *Child psychopathology* (3rd ed.). New York: Guilford Press.
- M-Keller, D. K. (1995). Results of the DSM-4 mood disorders field trial. *American journal of psychiatry*, 843-849.
- MC-Quitty, S. (2010). Statistical power and structural equation models in business research. *Journal of business research*, 175-183.
- Miller, R. (2016). *Zanardi suffers the peantly*. Retrieved on August 29, 2016 from: [www.newspapers.com](http://www.newspapers.com)
- Montgomery, P., Maunders, K. (2015). The effectiveness of creative bibliotherapy for internalizing, externalizing and prosocial behaviors in children. *Children and youth services .review*
- Mussen, P. H., Kagan, J., Huston, A., Conger, J. J. (2000). *Child development and personality*. Translated by: Mahshid Yasai. Tehran: Markaz publisher.
- Childrens peer relations: A meta-analytic review of popular rejected, .Newcomb, N. B. (۱۹۹۳) neglected, controversial, and average sociometric status. *Psychological Bulletin*. 99-128.
- N-Galambos, E. B. (2003). Parents do matter: trajectories of change in externalizaing and internalizaing problems in early adolescence. *Child development*, 578-594.
- Onder, A. Gulay, H. (2009). Reliability and validity of parenting styles and dimensions questionnaire. *Procedia social and behavioral sciences*, 508-514.
- Premack, D.. Woodruff, G. (1978). Does the chimpanzee have a theory of mind? The behavioral and brain sciences, 515-526.
- .R-Kessler, P. W. (2009). *Epidemiology of depression*. New york: guilford
- Robalino, D., Rawlings, L. Walker, I. (2012). *Building social protection and labor system: .concepts and operational implication*
- Rodríguez, A., Padilla, M. (2010). Authoritarian parenting received from mothers reveals individual differen in preschoollers false-belife but not in advanced theory of mind. *World academy of science*, 132-137.
- Sayin, N. O. (2010). Theory of mind in obsessive-compulsive disorder: comparison with healthy controls. *Europen psychiatry*, 116-122.

- Sarabian, S. (2012). Adolescence, Troubles de comportement, et Pratiques professionnelles. Verlag: Éditions Universitaires Européennes. Retrieved on Desember 15, 2017 from: [www.jmciri.ir](http://www.jmciri.ir)
- S-Lamborn, N. M. (1991). Parents of competence and adjustment among adolescent from authoritation, indulgent, and neglectful families. *Development*, 1045-1065.
- Scheafer, E. (2003). Circumflex model for maternal behavior. *Journal of abnormal and social*, 226-235.
- Silk JS, Steinberg L, Morris AS. Adolescents' emotion regulation in daily life: Links to depressive symptoms and problem behavior. *Child Development*. 2003;74:1869–1880.
- . Shaffer, D. (2000). *Social and personality development*. Belmont: Wadsworth
- Slaughter, E. (2010). Individual diffrences in theory of mind: implication for typical and atypical development. *Psychology press*, 13-38.
- Steinberg, L. (1992). Impact of parenting practice on adolescent authoritative parenting. *Child development*, 1261-1266.
- T-Brown, D. B. (2009) A proposal for a dimensional classification system based on the shared features of the DSM-4 anxiety and mood disorders: implications for assessment and treatment. *Psychological assessment*, 256-271.
- Tager-Flusberg, H. (1999). Psychological approach to understaning social and language imparments in autism. *Int rev psychiatry*, 325-344.
- Ukermann, J., Kraemer, M., Abdel, M., Hebebrand, J., Daum, L., Wiltfang, J., Kis, B. (2010). Social cognition in attention- deficit hyperactivity disorder. *Journal of neuroscience and behavioral reviews*, 34.
- W-Caroline, L. B. (2017). Effects of parenting and peer stressors on cognitive vulnerability and risk for depression among youth. *Journal of abnormal child psychology*
- Wang, y., Wang, Q., Chen, S., Zhu, C., Wang, K. (2000). Theory of mind ability in major depression with or without psychotic symptoms: A co,ponential view. *Psychiatry res*
- Y-Wang, T. T. (2001). An instrument for measuring customer satisfication toward web sites that market digital products and service. *journal of electronic commerce*, 89-102

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی